

## مقاومت ملی، مردمی و سراسری خویش را خصلت انقلابی بخشید!

خلق آزادیخواه افغانستان!

اشغالگران امپریالیست امریکایی-شرکا طوق برده گی را درگردن شاه شجاع چهارم و رقیب هرزه اش -داکتر عبدالله- افگندند. شاه شجاع چهارم و بناغ اش، با پذیرش ننگ امضای "پیمان امنیتی" با بادران امپریالیست خویش، نام خویش را درردیف اسامی امیر محمد یعقوب خان، امیر عبدالرحمان خان، ببرک کارمل و حامد کرزی مسجل نمودند. از دیگر سو، طالبان جنایتکار به مثابه ء پیمانکاران آی.اس.آی و عوامل نفوذی سیاست غارتگرانه و جنایتکارانه ارتجاع مسلط برپاکستان-شرکا تا میتوانند مسیرمقاومت ملی را بسوی انحراف کشانیده و درتبانای با اشغالگران امپریالیست، برای رژیم پوشالی کابل کسب "مشروعیت" میکنند. امپریالیست های امریکایی سرانجام چهره ء دروغین "مبارزه علیه طالبان تروریست" خویش را خود افشا نمودند. حال کاخ سفید طالبان را از لیست تروریستها بیرون کرده و منکر تروریست خواندن آنها شده است. کاخ سفید به وضوح اعلام داشته است که میان طالبان و تروریست های القاعده و داعش باید فرق قایل شد! شاه شجاع چهارم نیز برطبق دستور اربابان امریکایی خویش، طالبان را تا حد "مخالف سیاسی" و نه "تروریست" نوازش میدهد.

در صورتی که اشغالگران اینگونه صریحا طالب نوازی میکنند و ماهیت تروریستی آنها را کتمان میکنند، کدام عقل سلیم میتواند باور کند که این طالبان-که خود ساخته و پرداخته ء سیاست های اشغالگرانه و توسعه طلبانه ء امپریالیست های امریکایی بوده اند- واقعا علیه اشغالگران امریکایی تفنگ بزنند.

نخستین اقدام مسلحانه و مستقیم علیه اشغالگران امریکایی در سال 2015 میلادی که منجر به قتل سه اشغالگرامریکایی به دست جوان رشید از هموطنان ما گردید، بر میگردد به تیراندازی جوانی رشید از سلاله ء میرمسجدی ها، میربچه کوت ها...

شامگاه روز پنج شنبه مورخ 9 دلو 1393 خورشیدی، دلیری از تبار آزاده گان این مرز و بوم آزادیخواه که ملبس به یونیفورم نظامی بود، سه قرار دادی امریکایی را که از سوی وزارت دفاع آن کشور اجیر شده بودند، به قتل رسانید. این سه امریکایی جهت دادن آموزش های نظامی و جنگی به ارتش پوشالی رژیم شاه شجاع چهارم آمده بودند. این اقدام، نخستین اقدام مسلحانه از آغاز سال جدید میلادی است که منجر به قتل نظامیان امریکایی از سوی "خودی" ها میشود. اشغالگران امریکایی-شرکا و پوشالیان مزدور "رژیم کابل" اش،

بیشرمانه تلفات اشغالگران را که بدست فرزندان رشید این مرز وبوم که از ناچاری در اردو و پولیس شامل شده اند، به قتل میرسند بنام کشته شدن بدست نیروهای "خودی" نامیده اند!!! طالبان دروغزن و رو سیاه تاریخ که دیگر از سوی اشغالگران امریکایی به وضوح غیر تروریست خوانده شده اند، خاینانه و دروغناک ادعا میکنند که سه پیمانکار امریکایی به دست فردی به قتل رسیده که عامل آنان بوده است. طالبانی که خود قرار گفته خود کاخ سفید دیگر از سوی رژیم خونخوار امریکا تروریست خوانده نمی شوند، چرا در برابر باب خویش غدر ورزند؟ آنان نیک میدانند که امریکا با غیر تروریست خواندن شان دنبال ارائه مشروعیت برایشان بوده و خواهان آن است که آنان را در آینده سیاسی افغانستان تحت حمایتی سهمی قایل شود. این عروسک های کوکی امپریالیسم امریکا، همانگونه که ساخته و پرداخته و سیاست های راهبردی امپریالیسم امریکا اند، هنوز در دامن این امپریالیسم نفس میکشند و بوسیله آن ابقاء گردیده اند.

سازمان کارگران افغانستان همانگونه که در برابر اشغالگران امریکایی-شرکا موضوع محکم و ضد اشغالگری اختیار کرده است، و مرگ به اشغالگران امریکایی-شرکا را به مثابه شعار مرکزی مبارزه ضد اشغالگری خویش در دستور کار قرار داده است، آنی از تقبیح و طرد مواضع و عملکرد های پوشالیان طالبی و رژیم نیزغافل نبوده است و اعلام نموده است که طالبان و رژیم پوشالی کابل، پشت و روی یک سکه اند: سکه و وطن فروشی و انقیاد به اشغالگران امریکایی-شرکا.

قتل عام اخیر خلق آزادیخواه ولسوالی اندر غزنی به دست طالبان، یکی از تازه ترین نمونه های سیاست های نسل کشانه و ضد مردمی پوشالیان طالبی است. درستی تحلیل سازمان کارگران افغانستان بوسیله مقاومت خلق ما در برابر رژیم پوشالی و طالبان وحشی، محک خورده است. آری! همانگونه که ما در سند مهمی قبلا تضاد مرکب را به بررسی گرفته ایم، و همانگونه که وجود این تضاد در عرصه حیات آلی را در مطالعات علمی بانو لین مارگولیس شاهد بوده ایم، دیگر جایی برای دست کم گرفتن و در نظر نگرفتن طالبان به مثابه و یکی از دو سوی سکه و اشغالگران باقی نمی ماند. در برابر رژیم پوشالی و بادارانش قرار گرفتن، بدون اخذ موضع علیه طالبان، بی معنا و احمقانه است. به همین نهج، اگر نیروهای معینی رژیم پوشالی و بحث اشغال افغانستان را جدا از پروژه و طالبان به بررسی میگیرند، تن به شدید ترین نوع تسلیم طلبی میدهند. طالبان و رژیم پوشالی، در یک همزیستی به سر برده، و دو قطب یک پدیده یعنی پروژه دست نشانگی اند. در این تحلیل، بحث بر سر آن نیست که از این "دو" کدامیک عمدگی دارد. اینجا "دویی" در کار نیست! عمدگی از آن این پدیده است. درست است که رژیم پوشالی به مثابه ابزار مستقیم سرکوب خلق ما بوسیله اشغالگران امپریالیست عمل میکند و عمدگی دارد، اما اگر طالبان را مکمل و بخشی از این رژیم بدانیم، بخشی که تظاهر به استقلال از این رژیم و حتی ضدیت با آن دارد، در آن صورت شناخت مان از ترفند اشغالگران امریکایی-شرکا در جلوه دادن طالبان به مثابه و مخالفان رژیم پوشالی تکمیل میشود. رژیم پوشالی-طالبان، کلیتی واحد و ظاهرا دو

پارچه است. این پدیده همانند همه پدیده ها یک تضاد است، تضادی است ترکیبی. در این تضاد جهت عمده را رژیم پوشالی دارا است. هرگاه اشغالگران مصلحت خویش را در آن ببینند که افراطیت طالبانی را به مثابه ء برگ برنده وارد میدان کنند، آنگاه جهت عمده قطب طالبانی این تضاد خواهد بود. آنگاه، طالبان همان رژیم پوشالی کنونی اما در عبا و قباى طالب و با ریش و دستار "پنجابی" خواهند بود! جهت بخشیدن خصلت انقلابی به مقاومت ملی و مردمی کنونی، باید طالبان را به مثابه ء دزدان رهبری مقاومت ملی افشاءساخت. باید ماهیت پلید و ضد میهنی آنانرا بیش تر از پیش برملاء نمود. باید طالبان را به مثابه ء بخشی از رژیم پوشالی، بخشی که ظاهرا در خارج رژیم قرار گرفته است، افشاءساخت. آنگاه است که خلق ما، به جای آنکه حین مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی دست نشانده اشغالگران، شکار و دنباله رو طالبان کوردل و وطن فروش شوند، خود به ایجاد ستاد مستقل مقاومت گرملی و مردمی اقدام نموده و با گسست از بینش های ارتجاعی نوع جهادی، طالبی و ... در برابر عنان گسیخته گی های اربابان نولیبرال-نومحافظه کار، با تمسک به جهان بینی علمی طبقه کارگر قد خواهند افراخت. آنگاه است که جنگ ممتد خلق، یک دور نما نه، بلکه یک عینیت زنده خواهد بود.

**مرگ به پدیده تضاد مرکب رژیم-طالب**

**برچیده باد بساط اشغالگران امپریالیست!**

**انقلاب زنده باد!**

**سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)**

**10 دلو 1393 خورشیدی**